

الگوی روابط معنای «مکان‌های عمومی باکیفیت» از منظر اندیشه اسلامی-ایرانی

محسن رفیعیان^۱، مجتبی رفیعیان^{۲*} (نویسنده مسئول)، محمدرضا بمانیان^۳

^۱ استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.

^۲ استاد، عضو هیات علمی گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

^۳ استاد، عضو هیات علمی گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

چکیده

هر مخاطب با قرارگیری در مکان‌های عمومی، معانی بسیاری را در ذهن خود تداعی می‌کند و سپس این معانی را در منظومه‌ای کلی و در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. و بر مبنای آن قضاوت کیفی می‌کند. که آیا مکان باکیفیت است یا نه؟ الگوی روابط معنایی، مبنای فهم کلی معنای مکان و کیفیت معنای مکان‌های عمومی شهری است. یکی از عوامل شکل‌دهنده این الگو، زمینه اندیشه‌ای جامعه است. فهم یک فرد مجهز به اندیشه اسلامی-ایرانی از مکان‌های عمومی با فهم یک فرد با زمینه اندیشه‌ای متفاوت، دارای تمایزاتی است. سوال اصلی این است که کدام الگو قضاوت کیفی معنای مکان را متأثر از زمینه اندیشه‌ای بهتر تبیین می‌کند. متناظر این سوال، هدف تبیین الگوی روابط معنای مکان‌های عمومی از منظر اندیشه اسلامی-ایرانی است. در این پژوهش، روش تحقیق نظریه زمینه‌بنیاد با رویکرد کیفی، مبتنی بر ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بکارگیری شده و مصاحبه‌ها با استفاده از نرم افزار «مکس کیودا» در سه مرحله (باز، محوری و گزینشی) کدگذاری شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های تقریباً یکسانی در خصوص معنای مکان در ادبیات عام و شهرسازی اسلامی-ایرانی وجود دارد، اما مهم چیدمان، نظم و آرایش این شاخص‌ها در قالب الگوی روابط معنایی است که در قالب ۸ وجه به شکل خیمه معنای مکان، شامل: «طبیعی-زیست‌محیطی، مادی-معیشتی، اجتماعی-مردمی، هنجاری، هویت و اصالت، قدرت، پاکی و روانی» و یک مقوله محوری «تذکر و توجه به عالم بالا» ترسیم گردیده است. این الگو دارای سه ویژگی اصلی: استعلایی بودن، مکمل بودن و سلسله‌مراتبی بودن است. بر مبنای این الگو قضاوت کیفی هر مکان عمومی شهری در درجه اول با هشت وجه صورت می‌گیرد و سپس مقوله محوری «تذکر، توجه (توحید)» بعنوان جوهر کیفیت معنای مکان، دال مرکزی و تکمیل‌کننده کیفیت معنا در ادراک مخاطبان و مبنای قضاوت آن‌ها است.

واژگان کلیدی: کیفیت مکان، الگوی روابط معنای مکان، مکان‌های عمومی، اندیشه اسلامی ایرانی، شهرسازی اسلامی-ایرانی.

مقدمه

طراحان و برنامه ریزان همواره در پی چاره اندیشی برای ماندگار کردن فضاهای شهری در ذهن استفاده کنندگان از فضاها هستند. هر چه قضاوت کیفی از یک مکان بالاتر باشد. خاطرات جمعی تقویت شده و حس دل بستگی به مکان قوی تر شکل می گیرد. در نظر بگیریید دو نفر یکی مسلمان شیعه و یکی غیر مسلمان به مشهد سفر کنند. گنبد طلائی رنگ حرم از دور توجه هر دو را جلب خواهد کرد. اما نفر اول دست به سینه زده و سلام میکند. ممکن است این عمل از سوی نفر دوم تاحدودی درک شود و او متوجه باشد که نفر اول ادای احترام کرده اما اتفاق ادراکی و شناختی در ذهن فرد مسلمان شیعه عمق بیشتری دارد و در تداعی معنای شاید اشک هم بر گونه اش جاری شود. این اشک و سایر ادراکات پنهان و معنای تداعی شده دیگر برای نفر دوم قابل درک نیست. الگوی روابط معنای حاصل از «مکان‌های عمومی» علت این رفتارها و معنای ذهنی که مسبب آن است را اندیشه می داند. مساله پژوهش حاضر: نبود الگویی برای فهم روابط معنای مکان‌های عمومی با کیفیت است. پژوهش‌های متعددی به مباحث معنای مکان پرداخته‌اند، و یولیچ (Violich, 1983)، بنتلی و همکاران (۱۳۹۰)، ترانسیک (Trancik, 1986)، کلمن (Coleman, 1986)، مایکل ساوت ورث (South-worth, 1989)، تیبالدز (Tibaldes, 1988)، گرین (Greene, 1992)، برایان گودی (Goody, 1993)، هاتن و هانتز (Haughton, 1994)، پانتز و کرمونا (Punter & Carmona, 1997)، دپارتمان محیط و حمل و نقل بریتانیا (ODPM, 2005)، کرمونا (Carmona, 2021)، گلکار (۱۳۹۰)، و نهادهای بین‌المللی همچون PPS^۱، مباحث نظری پیرامون کیفیت مطلوب و کیفیت سنجی را در طول چند دهه گذشته بسط داده‌اند. اما تاکنون کمتر پژوهشی به روابط معنای مکان و چیدمان و اولویت بندی معنای حاصل از وجوه و شاخص‌ها در ذهن افراد پرداخته است. این پژوهش در پی تبیین الگوی روابط معنایی از منظر اندیشه اسلامی ایرانی است. یعنی در پی فهم چگونگی آرایش مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است که دو گانه‌های معنایی «صریح-ضمنی»، آنی-ثانویه و ارجاعی-ارزشی را در ذهن مخاطبان مبتنی بر اندیشه اسلامی-ایرانی شکل می‌دهد. این دو گانه‌ها سطوح معنای مکان در ذهن هر مخاطب هستند. و مهم است که فرد با قرارگیری در مکانی چه فرآیند ذهنی را طی می‌کند تا معنای آن مکان را درک و سپس قضاوت کند که آیا با کیفیت است یا نه؟ سوال اصلی مقاله حاضر این است که: کدام الگو روابط معنای مکان در ذهن را مبتنی بر اندیشه اسلامی-ایرانی تبیین می‌کند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای بوده و به بسط نظری مباحث مکان و کیفیت معنای مکان می‌پردازد و در ابتدا با مرور ادبیات تحقیق، الگوی عام (مرسوم) و الگوی اسلامی-ایرانی روابط

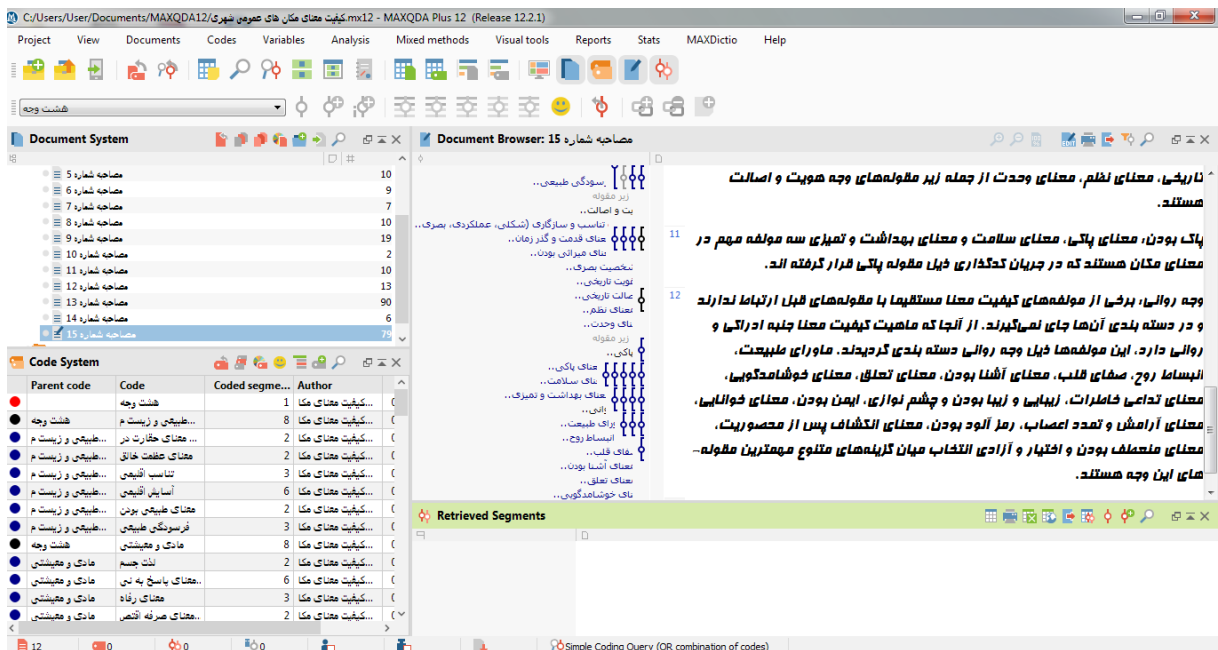
معنای، استخراج شده و سپس یک الگوی تکاملی در جهت فهم الگوی روابط معنای مکان‌های عمومی از منظر اندیشه اسلامی-ایرانی پیشنهاد شده است. سپس این الگوی تکاملی در راستای اعتبارسنجی در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان و خبرگان به بحث و تبادل نظر گذاشته شده است و در پایان نتایج حاصل از کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها ارائه گردیده است.

در این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بعنوان ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت مفهوم‌سازی و توصیف الگوی روابط معنای مکان در اندیشه اسلامی-ایرانی بهره گرفته شد. این مصاحبه‌ها بر اساس چیدمان مؤلفه‌ها در شکل ۴، توسط پژوهشگر و بنا به بازخوردهایی که در طی فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها دریافت شده، انجام گرفته است. مشارکت کنندگان در فرآیند مصاحبه، ۸ نفر جزو صاحب‌نظران و پژوهشگران دارای اثر در زمینه شهرسازی اسلامی، ۵ نفر جزو دانشجویانی که پایان‌نامه در دست دفاع در زمینه شهرسازی اسلامی دارند و ۲ نفر جزو حوزویان دارای اثر مرتبط با شهرسازی اسلامی و سمت اجرایی در شوراهای شهر و یا شهرداری هستند. پژوهشگر پس از پرسش در خصوص مشخصات عمومی مشارکت‌کننده با استفاده از سؤالات باز مصاحبه را شروع می‌کرد. سؤالاتی از قبیل: «تحلیل شما از نحوه شکل‌گیری معنای مکان‌های عمومی چیست؟»، «مؤلفه‌های شکل‌دهنده معنای مکان‌های عمومی کدامند؟»، «ترتیب و چیدمان و نحوه ارتباط این مؤلفه‌ها چگونه است؟»، «تا چه حدی زمینه‌های اندیشه‌ای متفاوت در تعریف روابط معنایی مؤثرند؟»، «به نظر شما الگوی پیشنهادی تا چه حدی تبیین‌کننده روابط معنای مکان در اندیشه اسلامی-ایرانی است؟». سپس کدگذاری مصاحبه‌ها به موازات انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت؛ به این معنی که پس از انجام هر مصاحبه داده‌های آن مصاحبه مورد کدگذاری قرار می‌گرفت تا از طریق کدگذاری داده‌ها، عمل دسته‌بندی و تفسیر آن‌ها صورت پذیرد. با کدگذاری چند مصاحبه، نخست پژوهشگر چارچوب ذهنی اولیه را ایجاد کرد و با انجام مصاحبه‌های بعدی، با استفاده از کدهای جدید به‌دست آمده، چارچوب ذهنی را توسعه داد. این فرآیند تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد و مصاحبه‌ها به پایان رسید. طبقه‌بندی داده‌ها با اطلاق کدهای جداگانه و مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام گرفت تا کدهای اصلی تولید شوند (Corbin & Strauss, 2007). مراحل کدگذاری انجام گرفته در این پژوهش عبارت‌اند: از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. مراحل کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیودا» (نسخه ۱۲) صورت گرفته است. تصویر شماره ۱، برشی از مراحل کدگذاری را نشان می‌دهد.

مبانی نظری

معنایابی و تداعی معنای

معنایابی، جریان باز یابی یک مفهوم و تداعی‌ها در ذهن است. محیط بعنوان فرستنده، پیامها را به فرد بعنوان گیرنده ارسال



تصویر شماره ۱: نمایی از مراحل کدگذاری در نرم افزار مکس کیودا

می‌کند (گروتر، ۱۳۹۰) و فرد با حواس خود، پیام‌ها را دریافت کرده و پس از ادراک اولیه پیامها در مرحله شناخت، آن‌ها را معنابخشی می‌کند. در اینجا است که در هر لحظه، پیشمار معنا از مکان در ذهن شکل می‌گیرد و ذهن با تلفیق آن‌ها شناخت از مکان را رقم می‌زند (پاکزاد، ۱۳۹۱) (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۸). از طرفی با شکل‌گیری هر معنا، معانی مرتبط با آن که قبلاً در ذهن بوده‌اند، اصطلاحاً «تداعی» می‌گردند. معانی تداعی شده حاصل تجربیات فرد از زمان تولد تا آن برهه زمانی از زندگی هستند. از این رو تجربه‌های قبلی در تعیین معنی آنچه که درک می‌کنیم اهمیت خاصی دارند (Manzo, 2005; Nassar, 2015). دقیقاً در همین لحظه است که روابط معنایی مکان اهمیت می‌یابد و مهم است که فرد معانی جدید که منبعث از محرک‌های بیرونی است را چگونه در ارتباط با معانی تداعی شده قرار می‌دهد. این پدیده تحت عنوان معانی «صریح-ضمنی، آتی-ثانویه و ارجاعی-ارزشی» در متون و ادبیات تحقیق این حوزه منعکس گردیده است که در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

زمینه اندیشه‌ای مبنای روابط معنا

در فرآیند ادراک و شکل‌گیری معنی، عوامل بسیاری همچون زمینه‌های فرهنگی، فکری، نظری و اندیشه‌ای دخیل هستند. اندیشه هر جامعه بعنوان پشتوانه فکری-نظری آن جامعه، نقشی بی‌بدیل در فرآیند ادراک شهروندان و معنابخشی به ادراکات آنان در فضاهای شهری و تبدیل شدن فضا به مکان دارد. از دیدگاه روان‌شناسی جدید، اندیشه، عالی‌ترین و بگرنج‌ترین پویای شناختی است و نمایانگر صور انعکاسی جهان اطراف به وسیله انسان می‌باشد. انسان در طی پویای ادراک تنها با اشیای منفرد و ملموس ارتباط پیدا می‌نماید که به طور مستقیم بر اعضای حسی شخص تأثیر می‌گذارد. لیکن به برکت اندیشه به کیفیت‌هایی در اشیای پی می‌برد که مستقیماً قابل تشخیص و بررسی نمی‌باشند

مکان را بر مبنای آن در ذهن ارتباط می‌دهد.

زمینه اندیشه‌ای در مطالعات شهرسازی قرن اخیر

اندیشه، مبنای تبیین روابط معنای مکان است. به نقل از توماس کوهن، اندیشه غالب در دوره‌های زمانی چندین ساله، جهت‌دهی

اصلی جریان‌های علمی را برعهده دارد و براساس آن در یک دوره زمانی، یک شیوه دیدن جهان، هنجار تلقی می‌شود. در صورتی که این شیوه پاسخ‌گوی مسائل نبود، تناقضات بروز کرده و با بحران مواجه می‌شود و در نتیجه این بحران، انقلاب علمی (شیفت پارادایم) رخ می‌دهد (Kuhn, 1972). مهم است دانسته شود، اندیشه غالب شهرسازی چه بوده و می‌باشد. در مروری اجمالی بر یک قرن دانش شهرسازی (مطابق گزارش آیزو کارپ «جامعه بین‌المللی برنامه‌ریزان شهر و منطقه‌ای» (Bogdan, 2000) با تکیه بر روش تبارشناسی^۲ از منظر موضوع و هدف کلان، می‌توان گفت اندیشه‌های کمونیستی دهه بیست میلادی و سوسیالیستی به موازات آن، تقسیم منابع میان طبقات و عدالت با رویکرد اقتصادی را در شهرسازی بعنوان هدف نهایی، مطرح می‌کردند و بدنال یکپارچگی‌ها بودند. پس از آن لیبرال‌ها در دوران پس از جنگ جهانی ناتوانی برنامه‌ریزی همه‌جانبه و ضرورت برقراری اقتصاد بازار آزاد و بی‌طرفی دولت را مطرح می‌کنند. در دوره‌های بعدی نئولیبرالیسم و سوسیال دموکراسی هدف اصلی را، تمرکز بر چگونگی توزیع منابع می‌گذارند و اختلافات آنان بیشتر بر سر چگونگی توزیع منابع و نه اینکه آیا اصلاً پرداختن به آن صحیح است یا نه می‌باشد (Magness, 2019). امروزه نیز مجموعه نظریات قرن بیست و یکمی شهرسازی (اندیشه توسعه پایدار)، از عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع و یکسان دانستن تمامی موجودات در جهان صحبت به میان می‌آورند (مثلاً حق یکسان درخت و انسان). جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از این جریان‌های کلی را نشان می‌دهد. آنچه که از این مرور کلی بر می‌آید، حکایت از نوعی تکیه بر منابع بجای تکیه بر انسان است، یعنی در اندیشه «شهرسازی مرسوم» در بیش از یک قرن منابع و نحوه چگونگی توزیع، استفاده و بهره‌برداری از آن مدنظر بوده است (و نه انسان) (رفیعیان، ۱۳۹۴). کانون توجهات یک قرن شهرسازی، سعادت و کمال انسان با نگاه توحیدی نبوده، بلکه در همه حال به منابع مادی و اقتصاد و پویایی آن بعنوان اولویت اول نظر کرده است. به نظر می‌رسد محور مشترک تمامی نظریات و رویه‌ها، مادی‌گرایی و اصالت مادیات بوده است. چنین شهرسازی بدنال اصالت لذت و تلاش در راستای: «رفاه برای رفاه» است؛ بدین معنی که همه چیز بایستی در راستای لذت و رفاه و آسایش او قرار گیرد.

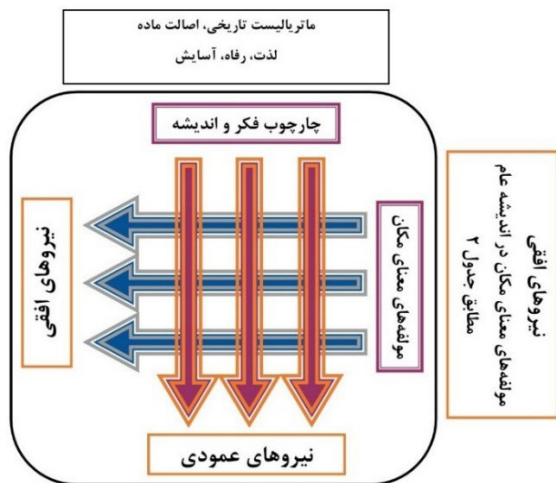
پویایی اقتصادی، محوریت مادیات و ادامه اندیشه‌های ماتریالیستی، مبنای فکری و اندیشه پویش‌های شهرسازی قرن اخیر است. مطالعات عام و مرسوم شهرسازی با تکیه بر پارادایم مادی، مدل‌های کیفیت‌سنجی را بنا نهاده و در آن تبیین روابط معنای مکان تحت غلبه مؤلفه‌های اصالت مادیات، لذت‌طلبی، رفاه و توجه به منابع مادی، مشهود است. این مطالعات روابط معنای مکان را تماماً ذیل اندیشه مادی‌گرایانه با محوریت منابع تعریف می‌کنند. این محوریت در زمینه روابط معنایی مکان نیز تعیین‌کننده است (صبا، ۱۳۹۹).

الگوی روابط معنای مکان

مطابق تبارشناسی قسمت قبل و جدول شماره ۱، زمینه اندیشه‌های مطالعات مرسوم (عام) شهرسازی اسلامی متأثر از مادی‌گرایی است. از این رو قضاوت‌های کیفی از کیفیت معنای مکان نیز متأثر از آن خواهد بود و دیگر کلان هدف متناسب با اندیشه اسلامی ایرانی در قضاوت‌های کیفی از مکان جایگاهی ندارد. توضیح این که، همانطور که در مبحث معنایابی و تداعی معانی این مقاله بیان شد. معانی دارای سطوحی همچون: «صریح-ضمنی، آتی-ثانویه و ارجاعی-ارزشی» هستند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۸). زمینه اندیشه‌ای اثرگذاری بسیاری در دو سطح ثانویه و ارزشی دارد. مثلاً اینکه تصور کنید شخصی مجهز به اندیشه اسلامی ایرانی شب هنگام از یک میدان در یکی از شهرهای اروپایی بازدید می‌کند. وقتی از او در خصوص سرزندگی فضا و حال و هوای کافه‌ها سوال می‌کنید، پاسخ می‌دهد «فضا بسیار سرزنده بود»، اما اگر قضاوت کیفی او را در خصوص اینکه آیا آن فضا در کل مطلوب بود یا نه سوال کنید. ممکن است پاسخ دهد چون مصادیق گناه همچون شرب خمر و ... در آن فضا بسیار بودند صد درصد مطلوب نبوده است و حتی شاید به طور کلی «باکیفیت بودن» آن فضا «و تو» شود، چون گناه در آن فضا اتفاق می‌افتاده است. این همان تاثیر زمینه اندیشه‌ای بر قضاوت از کیفیت مکان است و در قالب الگوی روابط معنای مکان قابل فهم می‌باشد. این مثال روشن می‌کند که انگار یکسری عوامل در شکل‌گیری معنای مکان مشترک میان همه زمینه‌های اندیشه‌ای هستند مثلاً همه محیط تمیز را تحسین می‌کنند. اما در درجه بعدی زمینه اندیشه‌ای معنای ثانویه و ارزشی را در ذهن رقم می‌زند. شخصی که مجهز به اندیشه اسلامی است. تمیز بودن را کافی

جدول شماره ۱: ریشه مشترک اندیشه‌ها در مطالعات شهرسازی قرن اخیر

دوره	تفکر غالب	بازه زمانی	کلان هدف	محور مشترک اهداف
۱	تولد علم برنامه ریزی در تفکرات کمونیستی	نیمه اول قرن بیستم تا ۱۹۵۰	توزیع ثروت میان طبقات	پویایی اقتصادی، محوریت مادیات و ادامه اندیشه‌های ماتریالیستی (کمال انسان در اولویت‌های چندم قرار دارد).
۲	رشد و بلوغ علم برنامه ریزی در تفکرات لیبرال	۱۹۵۰ - ۱۹۸۰	توزیع منابع با رویکرد اقتصاد بازار آزاد با نظارت دولت	
۳	تفکرات نئولیبرال	۱۹۸۰ تا کنون	توزیع منابع با رویکرد اقتصاد بازار آزاد با نظارت حداقلی دولت	



شکل شماره ۲: فهم اولیه از الگوی روابط معنای در مطالعات شهرسازی بر مبنای جمع بندی مبانی نظری

سپس با در نظر گرفتن چارچوب فکر و اندیشه اسلامی-ایرانی، عوامل عمودی و افقی الگوی روابط معنای مکان در مطالعات شهرسازی اسلامی استخراج می‌گردد. در این بررسی مطالعات: علی‌آبادی (۱۳۸۲)، نقی‌زاده (۱۳۸۵)، نقره‌کار (۱۳۸۷)، وثیق و همکاران (۱۳۸۸)، نقی‌زاده (۱۳۹۳)، نقی‌زاده (۱۳۹۳)، خاکزند و آقابزرگی (۱۳۹۳)، لیتکوهی و سنجرى (۱۳۹۳)، نقی‌زاده (۱۳۹۵-الف)، نقی‌زاده (۱۳۹۵-ب)، رئیسی (۱۳۹۷)، بهرا و صارمی (۱۴۰۰)، معتقد و سجاذزاده (۱۴۰۰)، زمانی و بابایی سالان قوچ (۱۴۰۰) بررسی شده‌اند. شاخص‌های معنای مکان از نظر آن‌ها به شرح جدول ۳ می‌باشد.

منابع این قسمت از میان مقالات معتبر علمی ترویجی، یا علمی پژوهشی و یا کتب منتشر شده می‌باشد. ملاک انتخاب آثار عنوان منابع بوده، بدین ترتیب که می‌بایستی در عنوان آن‌ها مشخصاً لفظ شهر، شهرسازی، اندیشه و یا کیفیت بکار رفته باشد و همچنین زمینه کار اسلامی باشد. در اینصورت عناوینی که مرتبط با معماری، پژوهش هنر اسلامی و سایر رشته‌ها هستند حذف گردیدند.

نمی‌داند بلکه «پاک» بودن را نیز ملاک قرار می‌دهد (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۷). این نکته اهمیت بیشتر برخی عوامل موثر در شکل‌گیری معنا را نسبت به بقیه نشان می‌دهد. چرا که بدون دخالت اندیشه همه فضا را مطلوب تشخیص می‌دهند اما اندیشه بر قضاوت کیفی نیز اثرگذار است.

بنابراین مطابق شکل ۲، دو دسته عامل در الگوی روابط معنای مکان قابل شناسایی است. عوامل افقی و عمودی؛ دسته اول عواملی هستند که در هر فضا بوجود آورنده معنای صریح و آنی هستند. دسته دوم معنای ثانویه و ارزشی را مبتنی بر زمینه اندیشه‌ای شکل می‌دهند. تصور عوامل به صورت عمودی و افقی یک نوع نگاه در تبیین الگوی همنشینی عوامل به مثابه تار و پود است که می‌تواند جامه کیفیت را بر تن مکان کند. جمع بندی اینکه به نظر می‌رسد عوامل افقی معنای آنی و صریح را رقم می‌زنند و عوامل عمودی مبتنی بر چارچوب فکر و اندیشه، سهم بیشتری در قضاوت‌های کیفی مکان دارند. این ادعا در قسمت بعد نیازمند بررسی بر مبنای روش تحقیق مقاله می‌باشد.

شاخص‌های معنای مکان (عوامل افقی)

عوامل افقی منفک از زمینه اندیشه‌ای کاربران مکان‌های عمومی شهری هستند. همانطور که در مثال فضای عمومی شهری اروپایی در قسمت قبل بیان شد این عوامل مشترک میان همه کاربران مکان بوده و پژوهش‌های بسیاری بر مبنای آن‌ها شاخص‌سازی نموده و اقدام به مطالعه کیفیت مکان نموده‌اند. جدول ۲، شاخص‌های عوامل افقی را نشان می‌دهد. شکل ۲ با بکارگیری و توجه همزمان به این دودسته عوامل، الگوی روابط معنایی مکان در اندیشه مرسوم (عام) را نشان می‌دهد. در این قسمت هدف استخراج و ارائه شاخص‌ها نیست بلکه الگوی روابط معنای مکان مهم است.

زمینه اندیشه‌ای در مطالعات شهرسازی اسلامی-ایرانی

بررسی الگو مطالعات شهرسازی اسلامی در تبیین روابط معنای مکان در فرآیندی همانند مطالعات عام شهرسازی صورت می‌گیرد. ابتدا مطالعات مرتبط را فهرست کرده و سپس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های معنای مکان را از آن‌ها استخراج می‌کنیم.

جدول شماره ۲: خلاصه‌ای از شاخص‌های معنای مکان مدنظر مطالعات (عوامل افقی)

منبع	شاخص‌های متناظر عوامل افقی
گلکار، ۱۳۹۰؛ بنتلی، ۱۳۹۰؛ Punter & Carmona, 1997؛ Greene, 1992؛ PPS, 2021؛ Trancik, 1986؛ Violich, 1983؛ Haughton & Hunter, 1987؛ Coleman, 1987؛ Southworth, 1994؛ Carmona, 2021؛ CABE, DETR, OPDM, 2005؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۵-الف؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۳؛ لیتکوهی و سنجرى، ۱۳۹۳؛ نقی‌زاده، ۱۳۹۵-ب؛ خاکزند و آقابزرگی، ۱۳۹۳؛ بهرا و صارمی، ۱۴۰۰؛ معتقد و سجاذزاده، ۱۴۰۰؛ زمانی و بابایی سالان قوچ، ۱۴۰۰	فرم دوستدار محیط‌زیست، نظم و سازگاری بصری، شخصیت بصری، دسترسی، مقیاس انسانی معطوف به پیاده‌مداری، محیطی برای همه، تعاملات اجتماعی، تنوع استفاده، رفع نیازهای متنوع و کاربری مختلط، کارایی، منظر شهری، وحدت، تعادل، زیبایی، هماهنگی و توازن، اندازه، حد و حریم، سلسله‌مراتب، نظم، قلمرو (حد، اندازه، لبه و حریم)، تناسب، هماهنگی، سادگی، مقیاس انسانی، حضور طبیعت، پاکي، مرکزگرایی، تنوع، زیبایی‌شنیداری، محرمیت، کارایی، زیبایی، امنیت، درون‌گرایی، سلسله مراتب، خوشامدگویی و دوستانه بودن، توجه به ارزش‌های گذشته یا تاریخی، خوانایی، آموزندگی، رنگ تعلق، امنیت، نظافت و پاکیزگی، فرهنگی بودن، نفوذپذیری، غنای حسی، زیبایی بصری، نوآوری و نوگرایی، تعادل، مرکزیت، تنوع، هماهنگی، اندازه و تناسب، توازن، سلسله‌مراتب، حد و حریم، محصوریت، سادگی، خوانایی، وضوح و شفافیت، انعطاف‌پذیری، هم‌زیستی با طبیعت، تابین و تضاد، تقارن، امنیت، چشم‌انداز، دسترسی، هویت، وحدت، احساس ارتباط با جهان هستی، آشنایی (فقدان احساس غربت)، رمزگرایی، درون‌گرایی، القای حس امنیت، آرامش، انسان‌گرایی، تعادل، احساس تعلق (حس وحدت با مکان)، نمایش قانون‌مندی، اخلاق‌گرایی، بسترسازی معاشرت و تعاملات اجتماعی، آرامش و آسایش در محیط، تفریح و تفرج در محیط

جدول شماره ۳: شاخص‌های معنای مکان مورد اشاره در مطالعات شهرسازی اسلامی

منبع	شاخص‌های مرتبط با عوامل افقی
نقی زاده، ۱۳۹۳؛ نقی زاده، ۱۳۹۰؛ نقی زاده، ۱۳۸۸؛ نقی زاده، ۱۳۸۵؛ نقی زاده، ۱۳۹۱؛ نقی زاده، ۱۳۹۵-الف؛ نقی زاده، ۱۳۹۵-ب؛ نقی زاده، ۱۳۹۳؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۲؛ خاک‌زند و آقابزرگی، ۱۳۹۳؛ لیتکوهی و سنجرى، ۱۳۹۳؛ رئیسى، ۱۳۹۷؛ بهرا و صارمى، ۱۴۰۰؛ معتقد و سجاذزاده، ۱۴۰۰؛ زمانى و بابایی سالان قوچ، ۱۴۰۰	ذکر، پرهیز از غفلت، عدالت، وحدت، نظم مولد کیفیت، توحید، عدل، فضای حیات طیب تذکر و بیداری، وحدت، تعادل، زیبایی، هماهنگی و توازن، اندازه، حد و حریم، سلسله‌مراتب، نظم، تسبیح، معنویت‌گرایی (ارجحیت معنویت بر مادیات)، وحدت (وحدت در کثرت)، تسبیح، زیباآفرینی، تذکردهی، احراز هویت، کمال‌گرایی و کمال‌جویی، هدایت، حس حیات (سرزندگی)، میانه‌روی، احتراز از کبر و خودستایی، تواضع، زیبایی بصری، نوآوری و نوگرایی، تعادل، مرکزیت، تنوع، هماهنگی، اندازه و تناسب، توازن، حدوحریم، محصوریت، سادگی، خوانایی، وضوح و شفافیت، انعطاف‌پذیری، هم‌زیستی با طبیعت، تباین و تضاد، تقارن، امنیت، چشم‌انداز، دسترسی، حضور الهی، حیات، معنویت و معنادار بودن، تنزیه و تسبیح، تجردگرایی، فقدان بت‌ها و شمایل، تجلی، آیینگی و نورانیت، هدایت‌گری، علم و آگاهی، هویت، وحدت، احساس ارتباط با جهان هستی، آشنایی (فقدان احساس غربت)، رمزگرایی، درون‌گرایی، القای حس امنیت، آرامش، انسان‌گرایی، تعادل، احساس تعلق (حس وحدت با مکان)، نمایش قانون‌مندی، اخلاق‌گرایی، قلمرو (حد، اندازه، لبه و حریم)، تناسب، هماهنگی، سادگی، مقیاس انسانی، حضور طبیعت، پاکی، مرکزگرایی، تنوع، زیبایی شنیداری، هویت، وحدت در کثرت، نگاه توحیدی، توجه، بسترسازی معاشرت و تعاملات اجتماعی، آرامش و آسایش در محیط، تفریح و تفرج در محیط، محرمیت، کارایی، زیبایی، امنیت، درون‌گرایی، سلسله‌مراتب، تسبیح و عبودیت، تذکر

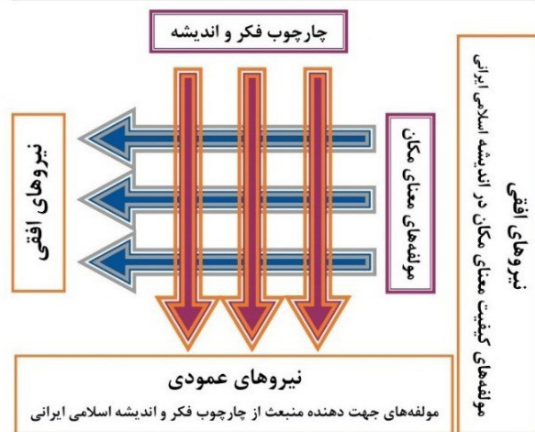
انعطاف‌پذیری، هم‌زیستی با طبیعت، تباین و تضاد، تقارن، امنیت، چشم‌انداز، دسترسی، آزادی، مسکن، غذا، امکان پیشرفت فردی و زیبایی به همراه عدالت، وحدت و نظم از جمله عوامل افقی مؤثر در تبیین معنای مکان هستند.

الگوی تلفیقی روابط معنایی مکان‌های عمومی شهری

پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون معنای مکان از الگوی عام منبعث از چارچوب فکر و اندیشه مرسوم شهرسازی، پیروی می‌کنند. این الگو تحت تأثیر محور مشترک نظریات شهرسازی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاص کیفیت شکل گرفته است. از طرفی جریانی تحت عنوان مطالعات شهرسازی اسلامی-ایرانی بدنبال پیاده‌سازی اندیشه اسلامی-ایرانی در مباحث شهرسازی از جمله مباحث معنایی مکان است. این جریان از چارچوب فکر و اندیشه کمال‌گرا و متکی بر آیات و روایات است. در جمع‌بندی از این دو الگو (عام و اسلامی)، در تبیین روابط معنایی مکان و پاسخ به نارسایی‌های آن‌ها، الگوی شکل ۴، را می‌توان ارائه نمود. از آنجا که بر مبنای توضیحات قبلی، عوامل عمودی نقش کلان‌تری را در تبیین معنای مکان دارند و راهبری کلی آن را به عهده دارند و عوامل افقی نقش مقوم و ثانوی را بازی می‌کنند، تمامی نکات مدنظر الگوی عام (شکل ۲) و الگوی مطالعات اسلامی-ایرانی (شکل ۳) در این الگو، بصورت تلفیقی با توجه به اولویت‌های مدنظر چارچوب فکر و اندیشه اسلامی-ایرانی آمده است. توجه به این نکته که هدف این قسمت برش‌مردن شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری معنا در ذهن و ارائه فهرستی جامع از آن‌ها نیست. بلکه هدف ارائه الگوی اولیه روابط معنایی مکان مؤثر در قضاوت کیفی از مکان‌های عمومی شهری است. پس شکل ۴ یک الگوی تلفیقی را ارائه می‌کند که نیازمند پژوهش در قسمت‌های بعدی مقاله و تصحیح و تدقیق در فرآیند کیفی مقاله است. محوری‌ترین بخش روابط معنایی مکان از نظر این الگو در درجه اول توجه، ذکر و عبادت است. عبادت به معنای عام آن که شامل تمامی شئون و جنبه‌های ادراکی و فعالیتی انسان می‌شود، خود اعم از توجه در همه حال و در همه امور به پروردگار و ذکر نیز

شکل ۳، الگوی استنباطی از عوامل افقی و عمودی شکل‌دهنده معنای مکان را ارائه می‌کند. در این نمودار عوامل عمودی نیز برگرفته از چارچوب فکر و اندیشه اسلامی-ایرانی است (جدول شماره ۳) و عوامل افقی عمدتاً برگرفته از جدول ۲ هستند. مطابق این الگو مؤلفه‌های کمال و سعادت و سیرالی‌الله به همراه ذکر، توجه و عبادت جزو عوامل عمودی مؤثر در ادراک معنای مکان هستند و نیازهای انسانی، عدالت اجتماعی، بهداشت، هویت، وحدت، احساس ارتباط با جهان هستی، آشنایی (فقدان احساس غربت)، رمزگرایی، درون‌گرایی، القای حس امنیت، آرامش، انسان‌گرایی، تعادل، احساس تعلق (حس وحدت با مکان)، نمایش قانون‌مندی، اخلاق‌گرایی، قلمرو (حد، اندازه، لبه و حریم)، تناسب، هماهنگی، سادگی، مقیاس انسانی، حضور طبیعت، پاکی، مرکزگرایی، تنوع، زیبایی شنیداری، محرمیت، کارایی، زیبایی، سلسله‌مراتب، تسبیح و عبودیت، تذکر، بسترسازی معاشرت و تعاملات اجتماعی، آسایش در محیط، تفریح و تفرج در محیط زیبای بصری، نوآوری و نوگرایی، تعادل، مرکزیت، تنوع، هماهنگی، اندازه و تناسب، توازن، سلسله‌مراتب، حد و حریم، محصوریت، سادگی، خوانایی، وضوح و شفافیت،

تذکر و توجه با عالم بالا برای تعالی و کمال انسان



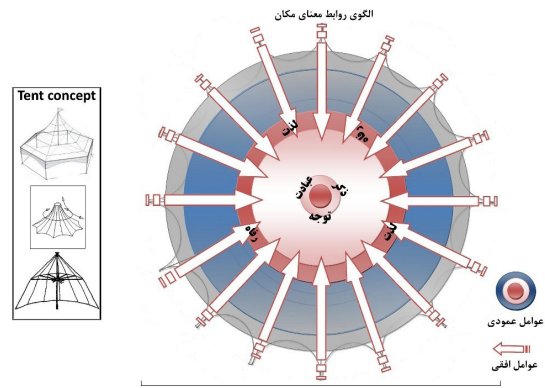
شکل شماره ۳: الگوی روابط معنایی مکان در مطالعات شهرسازی اسلامی

پژوهش بر وجود یک مقوله محوری اتفاق نظر داشتند. به نظر می‌رسد باید از مقوله‌های عامتری بعنوان حاصل پالایش تمامی کدها استفاده کرد. از این رو واژگانی که بیشترین اتفاق نظر پیرامون آن‌ها برای قرارگیری در مرکز بود برگزیده شدند و از بین مقوله‌های استخراج شده، مقوله محوری «تذکر و توجه با عالم بالا» در هسته اصلی الگو قرار گرفت. اثر این مقوله در اغلب داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها به خوبی یافت می‌شود. در واقع عصاره اصلی مصاحبه‌ها مبتنی بر این است که الگوی روابط معنا دارای یک مقوله محوری و هشت مقوله در درجه بعدی است. مقوله محوری در مرکز قرار گرفته و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شدند. هشت وجه مؤثر در معنای مکان عبارتند از: طبیعی-زیست محیطی، مادی-معیشتی، اجتماعی-مردمی، هنجاری، هویت و اصالت، قدرت، پاکی و روانی. این وجوه حول مقوله محوری تذکر و توجه به عالم بالا گرد هم آمده و الگوی روابط معنایی را تشکیل می‌دهند. هر کدام از این وجوه، مقوله‌هایی به شرح ذیل دارند: ۱- تذکر و توجه به عالم بالا شامل سه زیر مقوله «معنای عبد بودن، معنای رضایت خداوند و معنای معنوی». ۲- وجه هنجاری شامل «تفکر برانگیز بودن، ادب و احترام، معنای ارزشی، معنای دانشی و علمی، معنای اندیشه‌ای، معنای فرهنگی، معنای عدالت». ۳- وجه قدرت شامل: «سه زیر مقوله معنای حاکمیت و ولایت، معنای حاکمیت قانون، قدرت مرتبط با خدا». ۴- وجه اجتماعی-مردمی شامل: «معنای همراهی با اجتماع، تعاون و جمعی بودن، معنای حریم و حریمیت، امنیت». ۵- وجه مادی-معیشتی شامل: «لذت جسم، معنای پاسخ به نیازهای فیزیولوژیک، معنای رفاه، معنای صرفه اقتصادی و سودبخش بودن». ۶- وجه طبیعی-زیست محیطی شامل: «معنای حقارت در نظام خلقت، معنای عظمت خالق، تناسب اقلیمی، آسایش اقلیمی، معنای طبیعی بودن، فرسودگی طبیعی». ۷- وجه هویت و اصالت شامل «معنای تناسب و سازگاری (شکلی، عملکردی، بصری)، معنای قدمت و گذر زمان، معنای میراثی بودن، شخصیت بصری، هویت تاریخی، اصالت تاریخی، معنای نظم، معنای وحدت». ۸- وجه پاک بودن شامل: «معنای پاکی، معنای سلامت و معنای بهداشت و تمیزی». ۹- وجه روانی شامل: «ماورای طبیعت، انبساط روح، صفای قلب، معنای آشنا بودن، معنای تعلق، معنای خوشامدگویی، معنای تداعی خاطرات، زیبایی و زیبا بودن و چشم‌نوازی، ایمن بودن، معنای خوانایی، معنای آرامش و تمدد اعصاب، رمز آلود بودن، معنای انکشاف پس از محصوریت، معنای منعطف بودن و اختیار و آزادی انتخاب میان گزینه‌های متنوع» مهمترین مقوله‌های این وجه هستند.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به نبود الگویی جهت فهم روابط معنایی مکان در ذهن ادراک کنندگان نوشته شده است. پس از شکل‌گیری این رابطه است که قضاوت کیفی از مکان صورت می‌گیرد و مخاطبان امکان قضاوت مکان را کسب می‌کنند. همانطور که در بخش یافته‌ها آمده

است. در درجه بعدی رفاه انسان، لذت و خوشی، فرح و انبساط روح مدنظر است. این اولویت‌بندی متناظر عوامل عمودی است که در این الگو روابط دایره‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. در درجه بعد آنچه گستره معنا را می‌گستراند، عوامل افقی است. عوامل افقی قوام دهنده‌اند، ولی نقش محوری ندارند. شکل ۴، این انگاره را نشان می‌دهد. در مراحل بعد درستی و نادرستی چیدمان این الگو در مصاحبه با کارشناسان بررسی خواهد شد.



شکل شماره ۴: الگوی تلفیقی روابط معنایی مکان برآمده از مرور ادبیات تحقیق

تحلیل یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها و اخذ نظرات مشارکت کنندگان در فرآیند کدگذاری باز، از مجموع ۱۵ مصاحبه انجام گرفته، ۱۲۸ کد اولیه شکل گرفت. بعد از انجام عمل برچسب‌گذاری و نام‌گذاری داده‌ها، برای کشف چیزی نو در داده‌ها و به دست آوردن فهم بهتر، کدگذاری محوری انجام پذیرفت. کدگذاری محوری، عمل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیر مقوله‌های آن در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنهاست. در مرحله سوم کدگذاری گزینشی انجام شد. از آنجا که پدیده تحت بررسی در این پژوهش «الگوی روابط معنایی مکان» است، این پدیده طیف وسیعی از مقوله‌های معنایی را در بر می‌گیرد. از این رو در تحلیل خرد، از تریب‌ت تحلیل مقایسه‌ای استفاده شد. هدف از این کار در یافتن طیف معنایی ممکن در کلمات مصاحبه‌شوندگان بود. با این روش، کار دسته‌بندی مفاهیم آغاز شد و هر دسته زیر اصطلاح انتزاعی‌تر، یعنی مقوله‌ها طبقه‌بندی شد. بعنوان مثال با مقایسه مفاهیم مختلف، پژوهشگر متوجه شده است که مفاهیم «تدفین شهدای گمنام در میدان، معنا را افزایش می‌دهد»، «پرهیز از غفلت و جلب توجه‌ها مهم است. بناهای معماری ما همه بدنبال جلب توجه هستند»، و «کاری کنید معنویت فضاها بیشتر شود» اشاره به یک چیز دارند، این که «پرهیز از غفلت و توجه به عالم بالا» مهم است. با توجه به این مطلب از ۳ مفهوم فوق مقوله «توجه و تذکر» استخراج شد. این مفهوم در سطح بالاتری از انتزاع قرار دارد و هر ۳ مفهوم قبلی را پوشش می‌دهد. سایر مقوله‌ها نیز به همین صورت استخراج شدند. در این مرحله ۹ کد محوری تولید شده است. آخرین مرحله کدگذاری تعیین مقوله محوری حاصل از پالایش تمامی مقوله‌های قبل است. تمامی مشارکت کنندگان

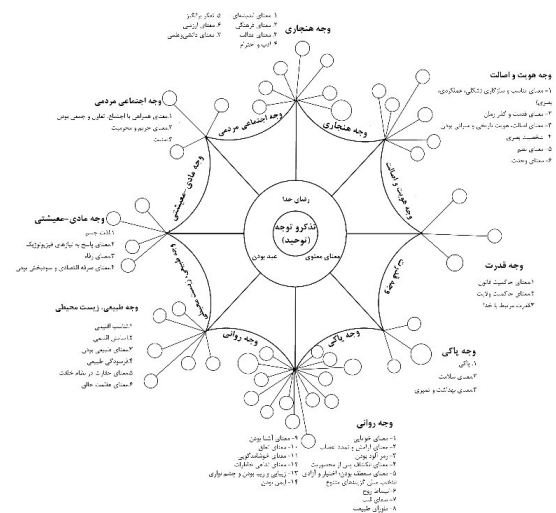
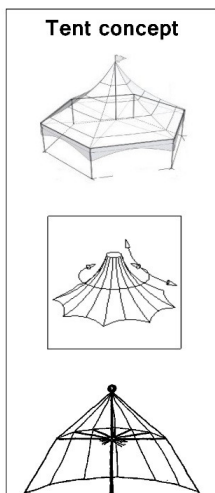
است، معانی متعددی در مواجهه با مکان‌های عمومی شهری در ذهن شکل می‌گیرد. اما چیدمان، ترتیب و نظم و آرایش آن‌ها نسبت به یکدیگر تاکنون بحث نشده است. ایده اولیه نمود گرافیکی این الگو را در قالب خیمه‌ای که عمودی در وسط آن عامل برافراشته شدن آن است و بواسطه بندهای محکم کننده‌ای بهتر برافراشته می‌شود ارائه کرد. تحلیل کیفی مبتنی بر کدگذاری مصاحبه‌ها این الگو را تایید کرد و چیدمان معانی در یک الگوی مدور در ذهن منطقی دانست. توضیح اینکه به محض حضور هر ناظر در یک مکان عمومی «صریح، آنی» در ذهن شکل می‌گیرند. در درجه بعدی و پس از تداعی معانی، معانی درجه دوم که به معانی «ثانوی، ارزشی و یا ضمنی» معروفند در ذهن شکل می‌گیرند. معانی دسته دوم مبتنی بر زمینه اندیشه‌ای ناظر و ادراک کننده مکان هستند. در حقیقت این دسته دوم ملاک باکیفیت دانستن یا باکیفیت ندانستن مکان هستند. بعنوان مثال همه ناظران، مکان عمومی شهری که در آن بهداشت و تمیزی برقرار است را مطلوب می‌دانند و یا مثلاً مکانی که در آن قانون حکم فرماست را مطلوب می‌دانند، حال اگر این قانونمندی در راستای قوانین اسلامی نباشد یا محیط تمیز باشد ولی پاک نباشد، در درجه بعدی معانی دیگری همچون نجس بودن و گناه از مکان در ذهن شکل می‌گیرد که آن را نامطلوب جلوه می‌دهد و بطور کلی آن مکان عمومی، باکیفیت شناخته نمی‌شود. با این مثال مشخص می‌گردد که دسته دوم معانی نقش مهمی در قضاوت کیفی مکان‌های عمومی دارند. از این رو در الگوی پیشنهادی معانی دسته اول حول محیط دایره و معانی دسته دوم در مرکز قرار گرفته‌اند. چیدمان اجزای این الگو دارای ویژگی‌هایی همچون الف - استعلایی و بالارونده بودن ب - مکمل بودن پ - سلسله مراتبی بودن است.

استعلایی بودن حاکی از آن است که همنشینی و ارتباط و جوه با هم، به صورت عرضی و افقی نیست، بلکه تمامی آن‌ها در رابطه‌ای طولی بر رأس و نقطه وسط اثر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. استعلایی بودن یعنی هر وجه نه فقط در رده خود مهم است، بلکه در ربط با محور و مرکز و جوه معنای مکان نیز قرار می‌گیرد. مثلاً اگر مکانی تمیز و بهداشتی باشد، مطلوب بودن یا نبودن آن در ربط با مرکز الگو تحت عنوان پاک یا نجس بودن مطرح می‌شود.

مکمل بودن حاکی از آن است که جوه معنای مکان، به صورت تک تک و چند سویه با یکدیگر در تعامل هستند. این رابطه از نوع رابطه تکامل است؛ به بیان دیگر اگر تمامی جوه با هم در یک مکان حاضر باشند، بیشترین کیفیت معنا حاصل می‌شود و اگر فقدان هر کدام از آن‌ها اتفاق بیافتد، به همان میزان از کیفیت معنای مکان کاسته می‌شود. (مثلاً فرض کنید خیمه‌ای که عمود نداشته باشد برافراشته نیست. حال اگر عمود داشته باشد اما بندهای محکم کننده نداشته باشد باز هم به صورت کامل برافراشته نیست) مثلاً اگر در یک مکان هویت و اصالت وجود داشته باشد ولی فقدان وجه آمادی - معیشتی باشد، افت کیفیت در معنای آن مکان در ذهن مخاطبان اتفاق خواهد افتاد.

سلسله مراتبی بودن حاکی از آن است که جوه و شاخص‌های آن، در یک سلسله مراتب قرار دارند؛ مثلاً در وجه قدرت ابتدا حاکمیت قانون قرار دارد و سپس قدرت مرتبط با خدا و حاکمیت ولایت. توضیح اینکه در مکان‌های عمومی شهری اگر قانون حکمفرما نباشد یا مغایر دین باشد و اجازه عمل و ادراک مؤمنانه را ندهد، آن مکان کیفیت ندارد. همچنین اگر قانون حکمفرما باشد اما در راستای حاکمیت خدا و ولایت نباشد نیز کیفیت نهایی نخواهد داشت. اما اگر قانون حکمفرما باشد و در ذیل حاکمیت ولایت و قدرت مرتبط با خداوند باشد در این حالت کیفیت از حیث وجه قدرت در کمال است.

شکل ۵ «الگوی روابط معنای» «مکان باکیفیت» از منظر اندیشه اسلامی - ایرانی را نشان می‌دهد. در این الگو یک مقوله محوری تعیین کننده کیفیت حقیقی مکان است (عمود خیمه که اگر نباشد خیمه کیفیت بر سر مکان به هیچ عنوان نمی‌تواند برافراشته شود). اگر یک مکان واجد تمامی مؤلفه‌های معنایی باشد اما در راستای تفکر توحیدی و توجه نباشد از منظر این اندیشه آن مکان باکیفیت نیست. از این رو شکلی همچون خیمه می‌تواند بیانگر شکل الگوی روابط معنایی باشد. خیمه دارای یک ستون اصلی است و مادامی که آن ستون برقرار باشد، خیمه برافراشته است. در عین حال و جوه مذکور، همچون بندهای محکم کننده حول محیط خیمه هستند که به برافراستگی آن کمک می‌کنند.



شکل شماره ۵: الگوی روابط معنای مکان‌های عمومی باکیفیت

1. Project for Public Spaces

۲. تبارشناسی دانش شهرسازی قبلاد در قالب طرح پژوهشی با عنوان کلان نظریه شهرسازی اسلامی در مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران انجام پذیرفته است و در شماره ۳۰۶ دانش شهر آن مرکز به چاپ رسیده است. این قسمت از مقاله برگرفته از آن طرح پژوهشی است. جهت اطلاع بیشتر به رفرنس رفیعان، ۱۳۹۴، رجوع شود.

۳. جستجو در کتب فهرست شده کتابخانه ملی تا سال ۱۴۰۰، مجلات نمایه شده داخلی تا سال ۱۴۰۰، پایان نامه‌های دکتری دانشگاه‌های تهران، علم و صنعت، شهید بهشتی، تربیت مدرس، هنر اسلامی تبریز و آزاد علوم تحقیقات دستیابی به منابع درج شده در جدول ۳ را فراهم آورد.

۴. توجه به لفظ «وجه» نیز معنای مکمل بودن را بهتر می‌رساند. تفسیر میزان دو کلمه «وجه» و «جهت» را مترادف می‌داند؛ وجه هر چیزی در عرف عام، به معنای ناحیه‌ای از آن چیز است که با غیر روبرو می‌شود و ارتباطی با آن دارد، همچنانکه وجه هر جسمی سطح بیرون آن است و وجه انسان، آن طرفی است که با آن با مردم روبرو می‌شود. هنگامی که صحبت از وجوه می‌شود، یعنی چند روی یک پدیده که هر کدام بخشی از آن را معرفی می‌کند و این همان ویژگی مکمل بودن وجوه است.

فهرست منابع و مراجع

۱. پاکراد، جهان‌شاه (۱۳۹۱)، **الفبای روانشناسی محیط برای طراحان**، انتشارات آرمانشهر، تهران.
۲. بهراه، بهاره و حمیدرضا صارمی (۱۴۰۰)، «مؤلفه‌های کیفیت مکان در شهر ایرانی - اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، ۴۳، (۱۱): ۲۴-۵.
۳. بنتلی، ای بن (۱۳۹۰)، **محیط‌های پاسخده**، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۴. خاک‌زند، مهدی و کوروش آقابزرگی (۱۳۹۳)، «سنجش مؤلفه‌های کیفیت فضای شهری با مقایسه تطبیقی رویکرد ایرانی - اسلامی و غربی»، **مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی**، بهار، ۱۳۱-۱۴۶.
۵. خوانساری، محمد (۱۳۹۴)، **منطق صوری**، جلد ۱ و ۲، نشر دیدار، تهران.
۶. رفیعی، سمیه؛ مجید صالحی‌نیا و قاسم مطلبی (۱۳۹۸)، «کاربرد روش تحلیل تماتیک در شناسایی قابلیت‌های معنایی تجربه شده حین حرکت روزمره در محیط انسان ساخته»، **معماری و شهرسازی ایران**، ۱۰، (۲): ۸۵-۹۸.
۷. رفیعان، محسن (۱۳۹۴)، **شهرسازی اسلامی (روش شناسی و طرح مساله)**، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، دانش شهر شماره ۳۰۶، خرداد.
۸. رفیعان، محسن؛ پردیس اکبری؛ سینا پیرعلایی و مجتبی رفیعان (۱۳۹۷)، «تعیین مشخصه اساسی کیفیت مکان‌های عمومی شهری نمونه مورد مطالعه: میادین شهر یزد»، **پنجمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی**، تهران.
۹. رفیعان، محسن؛ مجتبی رفیعان و محمدرضا بمانیان (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر ادراک «کیفیت معنای مکان» با تأکید بر مکان‌های عمومی شهر یزد»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)**، دوره ۵۱، شماره ۲، ۴۲۸-۴۱۱.
۱۰. رئیس‌ی، محمد منان (۱۳۹۷)، **معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی: از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود**، انتشارات دانشگاه قم، قم.

۱۱. زمانی، بهادر و احسان بابائی سالانقوج (۱۴۰۰)، «تحلیل ابعاد به مثابه روشی برای پژوهش در "شهر اسلامی"»، **مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، ۳۹، (۱۰): ۱۹-۳۰.

۱۲. صبا، سامان (۱۳۹۹)، «کاربست واقع‌گرایی اسلامی در فهم ارزش‌های انسانی مکان در معماری»، **فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، سال پنجم، شماره ۲.

۱۳. علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۲)، «شهر خداوند تصویرری از ساختار معنایی آرمانشهر اسلامی»، **مجله مدرس هنر**، شماره سوم، دوره اول، بهار. ۱۴. قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۵۹)، «سیری کوتاه در نظریه ابن‌خلدون»، **نشریه روان‌شناسی و روان‌پزشکی بازتاب**، شماره ۲، ۵۷.

۱۵. گروتز، یورک کورت (۱۳۹۰)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، چاپ ششم، ترجمه جهان‌شاه پاکراد و عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۱۶. گلکار، کوروش (۱۳۹۰)، **آفرینش مکان پایدار**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

۱۷. لیتکوهی، ساناز و سپیده سنجر (۱۳۹۳)، «مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری»، **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش معماری اسلامی**، سال اول، شماره ۲، بهار، ۶۴-۴۱.

۱۸. معتقد محمد و حسن سجاذزاده (۱۴۰۰)، «نقش کیفیت محیطی بر دل‌بستگی به مکان در فضاهای شهری (مطالعه‌ی موردی: میدان مرکزی شهر همدان)»، **مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)**.

۱۹. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

۲۰. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، **معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)**، راهیان، اصفهان.

۲۱. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، «طرح کلی برنامه جامع احیا شهر اسلامی»، **ماهنامه کتاب ماه هنر**، شماره ۱۳۶، دی ماه.

۲۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی»، **مجله کتاب ماه هنر**، مرداد، ۱۵۵، ۱۲-۲۶، راهیان.

۲۳. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، **شهر‌بیداری**، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، تهران.

۲۴. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳)، **شهر زیبا**، سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.

۲۵. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵-الف)، **طراحی شهر و فضای شهری ایرانی (مبانی، اصول، معیارها، نمونه‌ها)**، خورشید باران، تهران.

۲۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵-ب)، **نظریه فضای حیات طیبه: شهر آرمانی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.

۲۷. وثیق، بهزاد؛ آزاده پشوتنی‌زاده و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۸)، «مکان و مسکن از منظر اسلام»، **مجله مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم**، سال اول، شماره ۳، ۹۳-۱۰۲.

28. Bogdan, Wyporek. 2000. Millennium Report. Published by: ISO-CARP: http://isocarp.org/app/uploads/2014/08/millennium_report.pdf. January. 2017.

29. Bourdieu, P. 1992. Outline of a Theory of Practice. Cambridge University Press. Cambridge and New York.

30. Carmona, M. 2021. Public Places Urban Spaces, the Dimensions of Urban Design, 3rd Edition, Ebook Published, Taylor & Francis Group.

31. Corbin, J. & Strauss, A. 2007. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks. CA: Sage Publications.
32. Coleman, J, 1987. Opportunities for Innovation in Urban Design Education, Australian Planners 25(4): 28-31.
33. Eco, U. 1968. Function and sign: semiotics in architecture, in the city and the sign : An Introduction to Urban Semiotics. Gottdiener , M. and Lagopoulos, A. Columbia University press. New York.
34. Goody, B., 1993. Tow Gentlemen in Verona: The Qualities of Urban Design, Streetwise, 4(2): 3-5.
35. Greene, S. 1992. Cityshape. JAPA. 58 (2): 177- 189.
36. Houghton, G. & Hunter, C. 1994. Sustainable Cities. London: Jessica Kingsley.
37. Kuhn. S.T. 1972. Notes on Lakatos. Boston studies in the philosophy of science. Vol. VIII. Pp. 137-146.
38. Magnes, Phillip W. 2019. The Fairytale of Hegemonic Neoliberalism. American Institute for Economic Research. Retrieved 6 July 201.
39. Manzo, Lynne C. 2005. For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. Journal of Environmental Psychology. Volume 25. Issue 1. March. Pages 67–86.
40. Morris, C.W. 2006. Writings on the General Theory of Signs . Mouton. Den Haag.
41. Nassar .J. 2015. Advances in Environmental Psychology. Journal of Behavioral sciences, 384-387.
42. Punter, J. & Carmona, M. 1997. The design Dimension of Planning: Theory. Content and Best Practice for Design Policies, London: E & FN Spon.
43. Sama, M.A. Srikanthan, D. Nestor, A. et al. 2021. Global and local interference effects in ensemble encoding are best explained by interactions between summary representations of the mean and the range. Atten Percept Psychophys 83, 1106–1128.
44. Southworth, M. 1989. Theory and Practice of Contemporary Urban Design. Town Planning Review. 60 (4): 369- 402.
45. Tibaldes, F., 1988. Planning & Urban Design: A New Agenda, The Planner, 74(4): 4.
46. Trancik, R. 1986. Finding Lost Spaces: Theories of Urban Design. New York: Van Nostrand Reinhold.
47. ODPM, 2005. PPS1: delivering sustainable development, Norwich: Stationery Office.
48. Violich, F. 1983. Urban Reading and the Design of Small Urban Places: The Village of Sutipan. Town planning Reviv. Vol. 54. pp. 41-62.
49. PPS(Project for Public Spaces). 2021. www.PPS.org/ Agu.2021

Model of meaning relationship of “High quality public places” from Islamic-Iranian thought perspective

Mohsen Rafieian

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Iran

Mojtaba Rafieian *(Corresponding Author)

Professor, Department of urban design and planning, Tarbiat Modares University, Tehran

* E-Mail: rafiei_m@modares.ac.ir

Mohammad Reza Bemanian

Professor, Department of architecture, Tarbiat Modares University, Tehran

Introduction

Everyone just evokes too meaning from her/his mind by being in the public places. These Semantic relations are the basis of the general understanding of the meaning of place and the quality of meaning of urban public places. The reason to the semantic relations caused by the community's thinking background. The understanding between two persons by different background thought is different. For example, the qualitative judgment of a Square that have religious function in a historical context for those one is different. This article seeks to explain the pattern of meaning relationships between public places from the point of view of Islamic-Iranian thought. Thought background is the basis for explaining the relation of different meanings of the place. It is important to know what the dominant idea of urbanism is. Over the years, dominant thought has responsible for the main direction of scientific methods and according to it, a way of seeing the world is considered to be a norm in a period of time. If this method does not respond to the problems, the contradictions will emerge and become confronted with a crisis, and a scientific revolution will occur (Kuhn, 1972). In a glimpse of a century of urbanism theories, according to the “Millennium Report” of ISOCarP's (Bogdan, 2000), communist ideas of the twenties and socialist simultaneously, considered the distribution of resources between classes and justice with an economic approach in urbanism as the ultimate goal. After that liberals represented comprehensive planning failure and necessity of establishing free marketing and the neutrality of government. The later, neoliberalism and social democracy, focused on how to distribute resources, and their disagreements were just how resources are distributed, rather than whether or not they are correct at all. Today, the conclusion of 21st Century theories of urbanism (sustainable development thought) says about the intergenerational justice in utilizing resources and consider all the creatures the same in the world and it is considered as objectivism also. The main scope of urbanism in a current century were happiness and perfection of man that it doesn't pay attention to God as a main point. It seems that the objectivism is a common point of view of all the views and procedures. Such urbanism just follow the pleasure and based on pursuit of “prosperity for prosperity.”

Research methodology

In this research, the research method is the grounded theory with qualitative approach and based on 15 semi-structured interviews. The interviews have been coded in three steps (open, axial and selective) by using “Maxqda12” Software.

Research findings

In the open coding process, 128 initial code were conducted in 15 interviews. Then, axial coding was performed after tagging and naming the data. The axial coding is sorting categories with subcategories according to their features and dimensions. The concept of “high quality of public place” includes a wide range of semantic categories, therefore, comparative analysis arrangements were used in micro analysis. The purpose was finding the possible spectrum of meanings in the words of the interviewees. In this way, classifying concepts began and each category was classified under abbreviated terms. In this step, 9 axial codes are generated that are: towards to God, normative, power, Psychological aspect, social, livelihood, environmental, identity and originality, cleanliness and finally in selective steps, main category was found that is called “towards to god”. This category is on the center of the coded and others are based on it.

Conclusion

This article is written because of the lack of a model for understanding the relationship of the meaning of public space in the perceivers's minds. The results of the study showed that there are two types of levels in any observer's mind that the first are straight, immediate and referential, and the second are implicit, secondary and normative. In fact the secondary thought are a basis for knowing a place as high quality or not. For example everyone considers a clean public place or a place with law as a desirable place. However these places could have not been known as a quality places, if they are impur (according to Islamic rules) or there is a sin in it. With this example, it is cleared out that the secondary meaning plays an important role in the qualitative judgment of public places. Therefore in suggested model, a first levels are around the circle and the secondary are in a center of that and also this model is arranged by some components that has some properties such as a) Transcendental and uplifting, b) Being complementary and c) Hierarchy. In an example meaning relationship could be like a tent with a main column and some strings, implicit, secondary and normative meanings are like a main column and straight, immediate and referential meanings are like strings. Finally, quality of Urban public places as a tent will arise if a pile with regarding God and other components like a tightening holdfast arrange around it.

Key Words: Quality of public place, model of the meaning relationship, Islamic-Iranian thought, Islamic-Iranian urbanism.

Keywords: Regeneration, Historical context, Feasibility, Imam Ali Square.